

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

سازمان فدائیان (اقلیت)

۱۸ فبروری ۲۰۱۲

سخنرانی خامنه ای در ۱۴ بهمن [دلو]، کابوس آشفتگی درونی نظام بود

روز جمعه ۱۴ بهمن [دلو]، اقامه نماز دانشگاه تهران توسط خامنه ای برگزار گردید. سالروز ورود خمینی به ایران در ۱۲ بهمن ۵۷ تا ۲۲ بهمن، روز قیام عمومی توده های مردم ایران که منجر به سرنگونی رژیم شاه گردید، از طرف جمهوری اسلامی به عنوان "دهه فجر" نام گذاری شده است. فرا رسیدن هرساله این روزها، برای سران جمهوری اسلامی غنیمتی است تا هر آنچه از عوام فریبی و دروغ بافی در چنته دارند، به خورد مردم ایران بدهند. تا زمانی که خمینی زنده بود مسئولیت این کار به عهده او بود. بعد از مرگ خمینی و نشستن خامنه ای بر مسند ولایت فقیه، بیش از دو دهه است که این وظیفه، بر عهده خامنه ای گذاشته شده است.

اقامه خطبه های نماز دهه فجر امسال، فرصتی برای خامنه ای شد تا بالای منبر برود و هر آنچه در چنته داشت، در مورد وجود آرامش و امنیت در کشور دروغ بیافد، وجود هرگونه بحران در جامعه را انکار کند، در مورد نشاط، شادابی، رفاه و آسایش مردم یاوه سرانی کند و از پیشرفت های علمی مملکت برای پامنبری های خود، حرف بزند. اگرچه خامنه ای طی خطبه های طولانی و مفصل خود، مسائل گوناگونی را بازخوانی کرد، اما تبیین و تئوریزه کردن سیاست خارجی و داخلی جمهوری اسلامی ایران، از جمله محورهای اصلی سخنرانی وی در بود.

او در مورد سیاست خارجی جمهوری اسلامی، عریان تر از همیشه بر طبل جنگ کوبید. خامنه ای با صراحت لهجه بر موضع پان اسلامیتی و دخالتگری مستقیم جمهوری اسلامی در منطقه و جهان تأکید کرد. او ضمن بیان این که اسرائیل یک غده حقیقتاً سرطانی در منطقه است و باید از بین برود گفت: "ما هر جا دخالت کنیم صریحاً می گوئیم، همچنان که به علت ضدیت با غده سرطانی رژیم صهیونیستی در دو جنگ پیروزمند ۳۳ روزه و ۲۲ روزه [نوار غزه] دخالت کردیم و از این پس نیز، هر جا هر ملتی یا گروهی با رژیم صهیونیستی مبارزه و مقابله کند، ما به او کمک می کنیم و هیچ ابایی هم از گفتن این مسأله نداریم."

البته، این صراحت لهجه خامنه ای صرفاً در محدوده ضدیت با اسرائیل متوقف شد و از بیان دخالتگری های مستقیم و غیر مستقیم جمهوری اسلامی در دیگر کشورها و کمک به گروه های ارتجاعی و تروریست های اسلامی در منطقه و جهان باز ماند. خامنه ای اما البته برای بیان صریح این بخش از موضع گیری اش دلیل هم داشت. هم

اکنون، اسناد دخالتگری جمهوری اسلامی در کمک به نیروهای ارتجاعی و واپسگرای لبنان و فلسطین و نیز ارسال تجهیزات نظامی و سازماندهی اقدامات تروریستی در آن منطقه، آنچنان آشکار و علنی گشته اند که راه هیچ گونه کتمان‌ی را برای خامنه‌ای و دیگر مسؤولان جمهوری اسلامی باقی نگذاشته است. لذا، او با تکیه بر بیان گوشه‌ای از گسترش تروریسم و سیاست پان‌اسلامیستی رژیم، تحت پوشش صراحت لهجه مبنی بر این که اسرائیل باید از بین برود، تلاش کرد تا بر گستره وسیع دخالت‌های نظامی و تسلیح‌گروه‌های اسلامی در افغانستان، عراق و اقدامات تروریستی سپاه قدس، شاخه برونمرزی سپاه پاسداران در کل منطقه و جهان سرپوش بگذارد.

خامنه‌ای پس از اعلام موضع رسمی جمهوری اسلامی در مورد اسرائیل، به بیان مواضع جمهوری اسلامی علیه سیاست‌های جنگی دولت امریکا پرداخت. او با اشاره به این جمله رئیس جمهوری امریکا که همه گزینه‌های هاروی میز است گفت: معنای این جمله تهدید به جنگ است. اما همه می‌دانند که این تهدید به ضرر امریکاست، همچنان که ایجاد جنگ، ده برابر بیشتر به ضرر امریکاست. خامنه‌ای همچنین تأکید کرد: "امریکائی‌ها باید بدانند که جمهوری اسلامی در مقابل تهدید به جنگ و تهدید به تحریم نفتی، تهدیدهائی دارد که وقتی لازم باشد ان شاء الله اعمال خواهد شد."

به رغم تهدیدهای خامنه‌ای در مقابل به مثل با سیاست‌های جنگ طلبانه دولت امریکا، آنها تحت پوشش "وقتی لازم باشد ان شاء الله اعمال خواهد شد" اما، لحن او خلاف گذشته عاری از هرگونه فحش و پرخاشگری نسبت به مقامات امریکا بود. خامنه‌ای پس از بیان تهدیدهای واکنشی جمهوری اسلامی، خطاب به پامنبری هایش گفت: "سخن گفتن مقامات امریکائی به زبان تهدید، نشان دهنده عجز و اشنگتن از مقابله منطقی و گفتمانی با جمهوری اسلامی است. او همچنین افزود: آنها [امریکائی‌ها] در میدان مقابله فکر و منطق، دچار ضعف هستند و به همین علت از تشبث به زور و توسل به جنگ حرف می‌زنند و معنای این روش این است که، امریکا جز زور، هیچ منطقی ندارد و برای غلبه خواست هایش جز جنگ، هیچ روشی رانمی‌شناسد."

لذا، در پس تهدیدهای لفظی خامنه‌ای نسبت به سیاست جنگ طلبانه امریکا، موضع اصلی جمهوری اسلامی را باید در همین قسمت از سخنان او جست و جو کرد. موضعی که نشان از تلطیف سخنان خامنه‌ای در مقابل سیاست جنگی امپریالیسم امریکا است و می‌تواند حامل یک پیام و دعوت از دولت امریکا در دوری جستن از کشمکشهای نظامی و روی آوردن به سیاست گفتمان مجدد مابین طرفین مناقشه باشد. موضعی که خامنه‌ای با ظرافت و زبان دیپلماسی آن را بیان کرده است.

اما، با توجه به مجموعه شرایط حاکم بر مناسبات و مجادلات طرفین درگیر، به نظر می‌رسد زمان برای بیان چنین سیاستی آنها بدون یک اقدام جدی و عملی از طرف جمهوری اسلامی جهت کشاندن طرف مقابل به پای میز مذاکره، هم اکنون کارکردش را از دست داده است.

سالهای متمادی است که جمهوری اسلامی با همین ترفند، طرف‌های درگیر با مناقشه اتمی ایران را در مسیر مذاکره سر دوانده است. هر بار که تنش و تضادهای موجود میان جمهوری اسلامی و قدرت‌های غربی بر سر مناقشه اتمی ایران حاد شده است، جمهوری اسلامی با طرح موضوع مذاکره، در جهت فرصت‌سازی برای خود اقدام کرده است. این سیاست جمهوری اسلامی، دیر زمانی است که برای مسؤولان سازمان انرژی اتمی، اتحادیه اروپا و نیز کشورهای طرف مذاکره با جمهوری اسلامی شامل امریکا، روسیه، چین، فرانسه، انگلیس و آلمان موسوم به گروه پنج به علاوه یک، دیگر رو شده است. لذا، بعید به نظر می‌رسد بدون یک اقدام عملی جدی مبنی

بر عقب نشینی جمهوری اسلامی از مواضع گذشته اش، اتحادیه اروپا و گروه پنج به علاوه یک، مجدداً حاضر به یک مذاکره جدی با جمهوری اسلامی شوند.

اما آنچه در نماز روز جمعه ۱۴ بهمن و در خطبه های بلند بالای خامنه ای حائز اهمیت بیشتر است، افاضات او در مورد وضعیت داخلی کشور بود. خامنه ای آن چنان از وجود آرامش، ثبات، امنیت و گسترش شادی و نشاط در جامعه بحران زده ایران سخن گفت، که ناگوار این احمدی نژاد است که عبا و عمامه بر تن کرده و در لباس خامنه ای در حال هذیان گوئی است.

خامنه ای در دروغ باقی های خود، تا بدان جا پیش رفت که از اساس منکر هرگونه بحران اقتصادی و سیاسی در ایران شد. او در این رابطه گفت: بزرگ کردن مسائل کوچک و القای بی مبنای وجود بحران در کشور، از جمله روش های دشمنان برای مأیوس کردن ملت از انتخابات مجلس است. خامنه ای در ادامه این دروغ پردازی ها، با وقاحتی به سبک و سیاق احمدی نژاد اعلام کرد: در کشوری که کاملاً آزاد و امن است و دستگاه ها و مردم در حال کار و تلاش هستند، بحرانی وجود ندارد. اما، دشمنان و غافلان مدام از آن حرف می زنند.

این ولی مسلمین است که اینگونه باوه سرائی می کند یا احمدی نژاد است که در حال هذیان گوئی است. پیش از این، چنین به نظر می رسید که انکار این همه بحران های سیاسی و اجتماعی که به ویژه از زمان انتخابات سال ۸۸ در ایران تشدید شده و هم اکنون جمهوری اسلامی را تا مرز فروپاشی پیش برده است، فقط و فقط از عهده شارلاتانی همچون احمدی نژاد بر می آید. اما خامنه ای در همین خطبه های ۱۴ بهمن نشان داد، آنچه احمدی نژاد از شارلاتانیسم به همراه دارد بر گرفته از باورهای مذهبی جمهوری اسلامی و نیز آموخته هایش از شارلاتان بزرگتری به نام ولی فقیه است.

اصلاً بحرانی در مملکت وجود ندارد. همه چیز در امن و امان است. کشور لبریز از شادی، نشاط سازندگی و پیشرفت است. این لپ کلام و هذیان گوئی های خامنه ای در خطبه های نماز جمعه بود.

جنگ قدرت میان باند خامنه ای و دارو دسته احمدی نژاد بر سر برکناری مصلحی وزیر اطلاعات جمهوری اسلامی که منجر به بست نشینی یازده روزه احمدی نژاد در خانه شد، طرح بحثهایی از قبیل استعفاء احمدی نژاد و حتی بعضاً برکناری او از مقام ریاست جمهوری که طی یک چندین ماه گذشته به کرات از طرف جناح های رقیب دامن زده شده است، نه تنها بحران نیست، بلکه تبلیغات بی اساس دشمنان جمهوری اسلامی است!

مناقشات هر روزه مجلس ارتجاع با هیأت دولت و کشمکش های میان جناح های مختلف اصول گرایان درون رژیم بر سر تصاحب کرسی های بیشتر مجلس، بحران نیست بلکه، به زعم ولی فقیه خیالپردازی های دشمنان زخم خورده رژیم است. این که باند احمدی نژاد و نیروهای طرفدار خامنه ای همه روزه پرونده های اختلاس، دزدی، جعل مدارک و فساد مالی یکدیگر را بر ملا می کنند، همه تبلیغاتی است که توسط غافلان در روزنامه ها و سایت های رژیم منتشر می گردند. کشف گروه به موسوم به انحرافی که به زعم باندهای جناح خامنه ای، نیمی از قدرت حاکمه را نیز در دست دارند، نه کشف خامنه ای بلکه، تبلیغات نیروهای معاند در جامعه است که از طرف غافلان نیز تکرار می شود. به زعم رهبر جمهوری اسلامی ایران، کشمکش های موجود درون قدرت حاکمه برای حذف و یا جلوگیری از قدرت گیری بیشتر "گروه انحرافی" نیز، نه تنها نشانی از بحران نیست بلکه، زائیده تخیلات دشمنان نظام است. پخش شبنامه های گسترده طرفداران دولت احمدی نژاد و جبهه پایداری به زعامت مصباح یزدی علیه محمد رضا کنی رئیس مجلس خبرگان، علی لاریجانی رئیس مجلس ارتجاع اسلامی و دیگر نیروهای منتسب به باند

خامنه ای که هم اکنون بزرگترین رویارویی جنگ قدرت میان مجموعه اصول گرایان درون نظام است، نه تنها بحران نیست بلکه، به زعم خامنه ای عین آرامش درونی هیأت حاکمه است.

دزدی، اختلاس و فساد مالی که هم اکنون تمام تار و پود رژیم را در بر گرفته و حتا در ابعاد چند هزار میلیارد تومانی نیز در رسانه های داخلی رژیم بازتاب می یابد، نه تنها بحران گنبدیگی رژیم نیست بلکه، عین رشد، تلاش و پیشرفت نظام است. فروپاشی سیستم پولی کشور، کاهش ۷۰ درصدی برابری ارزش ریال نسبت به دلار و دیگر ارزهای معتبر جهان طی کمتر از یک ماه و همزمان با آن، رشد ۴۰ درصدی تورم در جامعه نه تنها بحران نیست، بلکه طبق افاضات هذیان گونه ولی فقیه، این دشمنان و غافلانی از نوع عسکر اولادی مسلمان هستند که مدام از آن حرف می زنند. گرانی سرسام آور، گسترش دامنه خط فقر تا محدوده ۴۰ میلیون از جمعیت ایران، نیمه تعطیلی کارخانه های صنعتی و کاهش تولید و به دنبال آن افزایش روز افزون تعداد بیکاران تا مرز ۸ میلیون نفر، نه تنها نشانی از فلاکت زندگی کارگران و وخامت وضعیت اسف بار توده های مردم در جامعه نیست بلکه، به زعم خامنه ای از جمله "نقاط قوت و گسترش کیفی و کمی خدمات درجه اول به مردم در سراسر کشور" است.

اعمال آن همه خشونت و جنایت در جامعه که هر روزه در مطبوعات داخل کشور درج می گردد، گسترش اعتیاد، فحشاء و توزیع روز افزون مواد مخدر، سرکوب افسار گسیخته زنان و بی حقوقی مطلق آنان در کشور، سرکوب ابتدائی ترین آزادی های دموکراتیک و حقوق مدنی توده های مردم ایران، دستگیری و حبس کارگران و عدم پرداخت حقوق آنان تا ماه های متمادی، سانسور بی حد و حصر اندیشه و بیان، قلع و قمع کردن همه مطبوعات نیمه مستقل و منتقد رژیم و حتا نشریات بعضا منتقد باندهای درون رژیم، نه تنها سرکوب، اختناق و اعمال دیکتاتوری مطلق و عنان گسیخته نیست بلکه، به زعم دروغ پردازی های رهبر جمهوری اسلامی عین "مردم سالاری، از بین رفتن اختناق نفس گیر و حاکمیت فضای آزادی در جامعه" است.

باری، این ها فقط گوشه ای از افاضات و دروغ پردازی های خامنه ای در خطبه های نماز جمعه ۱۴ بهمن بود. البته این پايوه سرائی ها برای مردم ایران تازگی ندارد. کارگران و توده های زحمتکش ایران، طی بیش از سه دهه از حاکمیت جمهوری اسلامی به کرات شاهد اینگونه پايوه سرائی ها و دروغ پردازی های سران رژیم بوده اند. دروغ پردازی و تحمیق مردم، ریشه در ماهیت دینی نظام جمهوری اسلامی دارد. خمینی که با انقلاب توده ها و قیام ۲۲ بهمن ۵۷ بر مسند قدرت نشست، با تکیه بر توهم عمومی مردم نسبت به رژیم اسلامی، به خود حق می داد تا همه خزعبلات ذهنی اشرا به خورد توده های مردم نا آگاه بدهد. از آن زمان تا کنون، همه مسؤولان ریز و درشت جمهوری اسلامی به فراخور موقعیت، مسؤولیت و جایگاهی که در نظام داشته اند، تحریف حقایق و بیان دروغ پردازی های مضمنز کننده، بخشی از سیاست عملی آنان بوده است. با روی کار آمدن احمدی نژاد، دروغ پردازی به سیاست غالب کل نظام مبدل گشت. احمدی نژاد در پیشبرد سیاست دروغ و شارلاتانیزم، ظرفیت بی بدیلی از خود به نمایش گذاشت. دروغ پردازی و شارلاتانیزم احمدی نژاد، تا بدان جا گسترش یافت که صدای اعتراض نیروهای مؤثر در حاکمیت جمهوری اسلامی را نیز در آورد.

امادر این میان، مناقشات رو به تزاید باند خامنه ای با دارو دسته احمدی نژاد، از هم گسیختگی سیستم پولی کشور، به هم ریختگی هیأت حاکمه و در یک کلام تعمیق بحران های سیاسی و اقتصادی که هم اکنون نظام حاکم بر ایران را به مرز فروپاشی درونی رسانده است، به شدت خواب ولی فقیه را بر آشفته است. سخنرانی خامنه ای در نماز جمعه ۴ بهمن، در واقع کابوس این آشفته گی درونی نظام است که از مرز دروغ پردازی گذشته و به هذیان گوئی رسیده است. - برگرفته از کار شماره-۶۱۵